

نگاهی مختصر بر پژوهش‌های علمی تاریخی

نامزد پروفسور دوکتور فهیم کوشا

دکتری تاریخ عمومی و عضو هیات علمی دانشگاه جوزجان

چکیده

برای اهل دانش و خبره بهتر معلوم است، که هیچ پژوهشگری بدون روش تحقیق در طول ازمنه تاریخی قادر نگردیده؛ تا طبیعت را بکاود و یا جوامع بشری را به سوی قله‌های موفقیت رهنمون سازد. بنابراین موضوع پژوهشی هذا تحت عنوان: «نگاهی مختصر بر پژوهش‌های علمی تاریخی» با در نظر داشت مبرمیت و ضرورت زمان برای تشخیص واقعه‌ها، حادثه‌ها، مناقشه‌ها، تحولات، تغییرات، تبدلات و امثال آنها تحقیق، تدقیق، تحلیل و تحریر گردیده است. بنابراین برای کسانی که در مورد مفاهیم و اهمیت تحقیق می‌خواهند معلومات داشته باشند و یا مبادرت می‌ورزند؛ شاید پرسش‌های زیادی در ذهن‌شان خطور کند، که برای پژوهش‌چنین یک اثر چه نیازی بوجود آمده باشد؟ بدین اساس پاسخ به این‌گونه پرسش‌ها را می‌توان در لابلای متن مقاله‌ی هذا دریافت خواهند نمود. بنابر این پژوهشگر تاریخ را یارای آن نیست تا مستقیماً به سراغ وقایع رفته به بررسی و غور در آنها بپردازد؛ بلکه اکثر مطالعات تاریخی در فضای گذشته و در پرتوی از فراموشی‌ها، تحریفات و یا مجهولات قرار گرفته‌اند؛ در نتیجه برای دریافت آنها باید با استفاده از روش‌های نوین تحقیق اقدامات لازمه را به خرج داد. البته در چنین حالت در پهنه تاریخ، همیشه میان مؤرخ و رویدادهای تاریخی، فاصله‌ی قابل شناس موجود باشد، که شناخت این فاصله با در نظرداشت نحوه‌ی بررسی در سلامت، اعتبار و اصالت آنها پیوسته به کمال معنوی و مسلکی محقق یعنی به روش شناسی آن وابسته‌گی عام و تام خواهند داشت. بنابراین جهت تحریر و ارایه‌ی مقاله‌ی مورد نظر، با استفاده از روش‌های نوین، مخصوصاً کتابخانه‌ی بی‌حفظ امانتداری اقدامات لازمه صورت گرفته است؛ زیرا جمع‌آوری اطلاعات و مواد تحقیق، هنگام میسر می‌شود، که پژوهشگر پیش از مبادرت ورزیدن هر گامی در زمینه‌ی به دست آوردن داده‌ها (اطلاعات)، شناسایی به موقع و صحیحی از دایره‌ی تحقیق در عرصه‌ی پژوهش خود پیدا نموده باشد.

واژگان کلیدی: اطلاعات، انسان، پژوهش، تحلیل، علم، روش و پژوهشگر

مقدمه

از این که موضوع مقاله‌ی هذا پیرامون «نگاهی مختصر بر پژوهش‌های علمی تاریخی» می‌چرخد؛ نخست در مورد معانی پژوهش و بعداً در مورد اهمیت پژوهش‌های تاریخی قرار شرح زیرین معلومات داده می‌شود:

پژوهش در لغت به معنی جستجو، کنجکاوی، بازجویی و امثال آن‌ها آمده است. همین‌طور به گونه‌ی دیگر تلاش‌ها جهت کشف نکات تازه و نوین، اقدام برای یافتن مسائل بدیع و سرانجام جستجوی مداوم بر اساس مطالعات پیگیر در راستای کشف حقایق را نیز پژوهش گویند. هم‌چنان برخی پژوهش، را فعالیتی نوآورانه و به دور از تقلید و تکرار می‌دانند.

قابل تذکر می‌دانم، که دانستن مفهوم پژوهش در عصر حاضر به حدی رسیده است، می‌توان آن را از ضروری‌ترین و بنیادی‌ترین مسایل مربوط به جوامع امروزی بشر شمرد؛ زیرا استدلال ما در آنست، که تقریباً هیچ یک از جوامع بشری را نمی‌توان سراغ کرد، که بدون پژوهش‌های نوین و ابتکارات بدیع، ره به سوی توسعه یا پیشرفت گشوده باشد.

از جانب دیگر اگر به مبانی تحقیق و منبع‌شناسی نظر اندازیم در می‌یابیم، که هر نسلی تاریخ خود را می‌سازد؛ اما به شرط آن- که بر روی دستاوردهای نیاکان و عاقبت اندیشی‌های پسندیده‌ی خود و آن‌ها استوار باشد.

طوری‌که عارف قزوینی در مورد انسان و تاریخ چنین سروده است:

به ملتی که ز تاریخ خویش بی‌خبر است

به جزء از محو و زوال نتوان گفت

بنابراین تاریخ را می‌توان چنین تعریف کرد:

تاریخ علم‌یست سیر و تکامل جوامع معیین و مشخص بشری را در قید زمان و مکان از گذشته تا به حال مطالعه، تحقیق، تدقیق، تحلیل، تفسیر و بررسی قرار می‌دهد.

شایان تذکر می‌دانم، که اثبات تمام واقعات تاریخی بر اساس سه مرحله (گذشته، حال و آینده) استوار می‌باشند. البته خصوصیت بارز جوامع بشری را می‌توان در کنجکاوی و تلاش برای دستیابی به پاسخ‌های روشن عقلی و منطقی مشاهده کرد. بی‌گمان این کنجکاوی و تلاش در حیات انسان از بدو تولد؛ تا در جهانی که با خواست و اراده‌ی خالق اش در آن زیست می‌نماید؛ ادامه خواهند یافت. بنابراین انسان از هنگامی که به شناسایی خویش و طبیعت آغاز نمود؛ در صدد کشف اسرار و نهفته‌های گوناگون طبیعت و جوامع بشری گردیده است.

باید اذعان کرد که وجیهی مؤرخ تنها تاریخ شناخت زنده‌گی پیشینیان به منظور تقلید و تکرار اعمال آن‌ها نیست. او قصد ندارد تنها نیاکان را بشناسد و بعضی از مسؤولیت‌های نا همگون آن‌ها را بر دوش اجتماع انسانی بگذارد؛ بلکه او می‌خواهد با شناخت و معرفت از حوزه‌های دینی و دنیایی آنان برای نسل بشریت مسایل سودمند را پیشکش نماید؛ زیرا آدمی برای نخستین بار چهره‌ی خود را در تاریخ می‌بیند که او کیست؟ از کجا آمده است؟ برای چه زنده گی می‌کند و در تکاپوی چیست؟.

در قرون اخیر این پویایی و نوآوری در عرصه‌ی پژوهش چنان از رشد و جنبش برخوردار شده است که، مصداق قول ما اختراعات، اکتشافات و نوآوری‌های غیر قابل تصور در همه زمینه‌های تجربی و غیر تجربی در اجتماع بشریت می‌باشند. جوامع بی‌که در این زمینه از همت واقعی و کافی با وجدان پاک و ایمان کامل برخوردار گردیده باشند؛ در نتیجه با تلاش‌های عاقلانه و عاشقانه‌ی خویش در کشف حقایق مؤفق و بدون شک به دستاورد‌های شگرف و سعادت‌دارین نایل خواهند آمد.

هدف تحقیق

هدف از تحقیق ما روشن نمودن واقعات تاریخی با استفاده از روش‌های نوین تحقیق جهت دست یافتن به حقایق رخدادها در طول زمانه‌های تاریخی از گذشته‌های دور تا الحال می‌باشد. همین‌طور هدف دیگر پژوهش ما معلوم ساختن مجهولاتی است، که تا به حال بشر در فکر کشف آن نه بوده است.

اهمیت تحقیق

اهمیت تحقیق در آنست، که پژوهشگر دائماً در پی معلوم ساختن مجهولات باشد؛ بنابراین باید پذیرفت، که تاریخ را باید فلاسفه و فلسفه را مؤرخان بنگارند؛ بدین اساس اگر به فلسفه‌ی تحقیق نظر اندازیم، در می‌یابیم، که آدمی موجودی ست پرسنده و رازجو؛ زیرا از ویژه گی های اوست، که در هر پدیده ای که علتش را نمی داند و در هر چیزی که آن سویی را نمی بیند، با چون و چرا، سؤال و جواب برای شناخت آن مبادرت می‌ورزد. در نتیجه در می‌یابیم، که همه به نحوی مشغول تحقیق اند؛ ولی عده‌ی نظام و آداب تحقیقات علمی را رعایت و عده‌ی بی خبر از شرایط و روش‌های تحقیق به طور نا آگاهانه مصروف فعالیت‌های غیر علمی می‌باشند.

سوالات تحقیق

سؤال عمومی

۱. «آیا محقق برای دریافت حل حقایق واقعات علمی تاریخ از طریق پژوهش‌های نوین خواهند توانست؛ مؤفق گردد؟»

سؤال‌های فرعی

۱- آیا محققان حرفوی بعد از نقد و تحلیل اطلاعات تاریخی بدون حفظ امانتداری و مسایل اخلاقی تحقیق خواهند توانست؛ واقعات عینی را اثبات نمایند؟

۲- آیا تشخیص انبوهی از واقعات تاریخی بدون رعایت روش های علمی پژوهش امکان پذیر خواهند بود؟»

پیشینه‌ی تحقیق

همین طور در بخش پیشینه‌ی تحقیق دیده شد؛ کتب پژوهشی بی که سایر محققان نهایت اندیشور داخلی و خارجی با استفاده از روش های نوین به رشته‌ی تحریر در آورده اند؛ اما در قسمت تحلیل فضایای تاریخی و اثبات آنان کمتر توجه نموده اند. از آن جمله می توان از «وذری، نگارنده‌ی کتاب فلسفه‌ی تاریخ، روش شناسی و تأریخ نگاری یاد آور شد، که در شیوه‌ی نگارش کتاب خویش بیشتر از روش توصیفی استفاده نموده است. بدین منوال می‌توان استدلال کرد، که کتب اکثر مؤلفان معزز که در دسترس ما قرار گرفته‌اند؛ به وضاحت دیده می‌شود، که ایشان نیز راجع به روش‌های تحقیق تاریخ در شکل اجمال به توضیح، تشریح، نقد و بررسی داده‌ها تاریخ مبادرت ورزیده‌اند؛ اما در روند کار تحقیقی ما تا حد امکان کوشش به خرج داده شد، تا برای اثبات واقعات تاریخی با کمک روش‌های نوین یعنی از طریق نقد و بررسی، تحلیل موضوعات تاریخی، مناقشه، مباحثه و مشوره‌های سودمند با اساتید صاحب‌نظر و امثال آن‌ها با شیوه‌های عصری تحقیق، مخصوصاً با در نظر داشت پالایش داده‌ها (فشرده سازی اطلاعات) به طور موجز و عام فهم در روند حل قضایای مواد مورد نظر اقدامات لازم صورت گیرد.

ادبیات تحقیق

زمانی مفهوم تحقیق برای ما قابل فهم می‌گردد؛ تا در مورد نقش پدیده‌ی انسان برای یافتن پاسخ به سؤال‌های مکرر و حل مشکلات خود، نیاز به کاوش دارد؛ یک درنگ کوتاه نماییم؛ در نتیجه در می‌یابیم، که همه به نحوی مشغول تحقیق اند؛ ولی عده‌ی نظام و آداب تحقیقات علمی را رعایت و عده‌ی بی خبر از شرایط و روش های تحقیق به طور نا آگاهانه مصروف فعالیت های غیر علمی می باشند.

با توجه به توضیحات بالا، واژه تحقیق متشکل از دو مفهوم (عام و خاص) تحت شرایط زیرین می باشد:

تحقیق به معنای عام: شامل هر نوع فعالیت کاوشگرانه بی می گردد، که محقق برای پاسخ گویی به تمام مسأله های قابل درک یا کشف مجهولات اقدام می ورزد.

اما تحقیق در معنای خاص، به نوع ویژه بی از فعالیت های تحقیقاتی گفته می شود، که شامل برنامه های عالی و روش های خاص می گردد؛ اما نمیتوان آنرا به صورت ذهنی انجام داد. (کوشا، ۱۳۹۰، ص ۶).

بنابراین عمده ترین ویژه گی یک محقق واقعی را در ارتباط به پژوهش های تاریخی می توان به سه گونه‌ی زیرین معرفی نمود:

ویژگی اول دانشمندی است، که این گونه محقق، اولین بار برای ابداع یا کشف واقعات مبادرت می ورزد و مردم پس از وی در موقف وارثان او باقی خواهند ماند.

ویژگی دوم اندیشمندی است، که این گونه محقق آثار پیشینیان را تشریح، تفسیر و مطالب مبهم و پیچیده را روشن و طریقه های ساده تر و با فهم تر آنرا نشان می دهد.

ویژه گی سوم خردمندی است، که محقق در برخی از کتاب ها، به نادرستی، آشفته گی یا افتاده گی های بر می خورد؛ نادرستی ها را تصحیح، آشفته گی ها را ترتیب و عیب ها را بر طرف می کند و با خوش بینی به کار نویسنده می نگرد و بر او خورده نمی گیرد.

خطا، اشتباه و لغزش بر هر قلم کشی که در کار تحقیق و پژوهش مصروف است، خاصه ی هستی اوست؛ «زیرا هر آن که کار می کند، طبعاً لغزش با او یک جاست» (ناظمی، ۱۳۶۴، ص ۱۴).

نقش محقق در پیوند با اصول تاریخ نگاری

نخست از همه اگر به فلسفه ی نقدی تاریخ نظر اندازیم؛ در می یابیم، که تاریخ نگاری در ذات خویش با سه نوع تاریخ نگاری از هر لحاظ با هم متفاوت تحت شرایط زیرین تداخل یافته است:

۱- **تاریخ نگاری توصیفی:** در این نوع تاریخ نویسی مؤرخان غیر حرفوی بی خبر از روش های تحقیق اقدام می ورزند، که این کار آنها به اصالت و اعتبار تاریخ صدمه وارد نموده است.

۲- **تاریخ نگاری تاریخی:** با تأسیس مکتب های تحقیقاتی در کشور های چون: یونان، روم، چین، هند تحت نام اثباتگرایان و بعد از گسترش دین مقدس اسلام؛ مانند: مکتب های عراقی و بلخی را نیز می توان از جمله ی تأثیرگذار ترین کانون های تحقیقاتی ادوار تاریخی به شمار آورد.

۳- **تاریخ نگاری تحلیلی یا نقدی:** محقق با در نظر داشت اصول این گونه تاریخ نویسی تماماً واقعات تاریخی را از طریق نقد و بررسی، تحلیل و مباحثه، مناقشه و تشریح مورد بررسی قرار می دهد. (نادری، ۱۳۷۴، ص ۲۳).

مشخصات تحقیقات تاریخی از دید محققان واقعی

- **شناخت بهتر جهان و پدیده های آن:** حقیقتاً انسان از ابتدای خلقت تا عصر حاضر به خاطر شناخت بهتر جهان و پدیده های آن تحقیق می نماید؛ مثلاً: بعضی پدیده ها و نقاط مجهول را معلوم می سازد....

- **جمعاوری اطلاعات تازه توسط محققان با تجربه:** در جهان بعضی پدیده های وجود دارند، که هنوز هم در مورد آنها تحقیق صورت نگرفته است؛ باید در مورد آنها همچون اطلاعات تازه دست به کار شد.

- **بررسی پدیده ها بدون تعصب:** طبق این مشخصه ما ایماناً و وجداناً مکلف هستیم، تا جهان و پدیده های آن را بدون کدام ملحوظ بررسی و به نفع بشریت خدمت نماییم....

هدف از ارایه ی این کنفرانس، شناخت بهتر واقعات جهان به خاطر یافتن راه های بهتر زنده گی در زمینه های مختلف می باشد. (کوشا، ۱۳۹۰، ص-۹).

تبیین تاریخی: در تشکل یک نقشه و ترسیم صحنه ی نقاشی، بی گمان نقش نقاش را نمی توان نادیده گرفت؛ زیرا هر گونه اثر از مؤثر خویش تأثیر پذیر شده می تواند؛ بدین اساس بی شک نقاش یک اثر نیز از نقاشی های خویش بی بهره و بی تأثیر نخواهد ماند. بنابراین برای شناخت واقعات جهان از طریق پژوهش های تاریخی نیز نمی توان منکر وجود تاریخ نگار و وقایع نگار شد. البته تحولات تاریخی در فضای بی کران زمان و مکان شکل یافته اند؛ لیکن به سر انگشتان توانای وقایع نگاران و مؤرخان با احساس به تصویر کشیده می شوند؛ اما آن عده واقعات تاریخی بی که به رشته ی تحریر در نیامده اند، از حافظه ی زمان نیز محو گشته اند و امروزه از آن حوادث در خاطر انسان کنونی چیزی به یاد نمانده است. (هروی، ۱۳۸۶، ص ۴۹).

بنابراین برای تشکیل و اثبات تاریخ می توان معنا های زیرین را برای شناسایی علم تاریخ استفاده نمود:

۱- تاریخ «۱» یعنی «تاریخ به مثابه‌ی رویداد اشاره می شود. البته محقق در این مرحله‌ی تاریخی صرف رویداد را شناسایی و درج اوراق تاریخی می نماید.

ولی در معنی و مفهوم دومی تاریخ تحت نام:

۲- تاریخ «۲» یعنی «تاریخ به مثابه‌ی گزارش؛ گزارشی که بر اثر نقد و بررسی، تحلیل و تجزیه به دست می آید، که در ذات خویش این گونه مرحله‌ی تاریخی تکمیل کننده‌ی تاریخ «۱» بوده می تواند. (نوذری، ۱۳۸۵، ۲۲).

اگر به جایگاه تحقیق علمی در تاریخ دقیقاً متوجه شویم، در می یابیم، که بسیاری در این باور اند، که معرفت تاریخی فاقد هر گونه شیوه و روش تحقیق دقیق و حساب شده است. از دیدگاه این عده، که متأسفانه شمار آنها رو به تزاید نیز هست تاریخ عبارت از صحنه های سرگرم کننده‌ی است، که چیزی بیش از قصه ها و حکایت های نامؤثق و بدون مدرک در آن نمی توان یافت. پس تاریخ نه تنها مفید نخواهد بود؛ بلکه به مانند آیینی تمام نمای می باشد، که تمام خوبی ها عیب های بشریت را بر ملا می سازد. همچنین جای بسا تأسف است، که تحقیق یا پژوهش، به ویژه به صورت علمی آن در پهنه تاریخ و تاریخ نگاری، در جهان امروز چندان متداول و متعارف نیست، اگر وجود دارد کمتر می باشد. بسیاری از نویسندگان، تخیلات و توهمات خویش را، که آغشته به برخی از وقایع قابل درک است، در قالب داستان پردازی هایی به نام تاریخ در آورده اند و خواننده گان آنها نیز بر همین مبنی، داستانهای مذکور را اعتبار بخشیده و بر خلاف روش های علمی بدانها باور می نمایند.

بر اثر غفلت و کم کاری های محققان حرفوی، تاریخ نگاری کلاسیک نیز در عصر حاضر در نزد اکثر جامعه های بشریت به عنوان الگوی قابل قبول پذیرفته شده و حتی پس از چندی از آن به عنوان مصالح تاریخ ساز انتظار دارند. (استنفورد، ۱۳۸۲، ۳۳).

قابل تذکر می دانم، که از ابتدای عصر ۲۱ تا الحال با محققان گوناگون ذیل از قبیل: «محققان درباری، محققان خود فروخته، محققان حزبی، محققان تنظیمی، محققان شرقی صفت، محققان غربی صفت، محققان مریض (روانی)، محققان متعصب، محققان منطقه گرا، محققان افراطی، محققان خابین، محققان بی قضاوت، محققان کم سواد، محققان ساخته گی، محققان قومی، محققان واقع نگر و غیره» رو به رو می شویم. البته به جزء از محققان واقع نگر سایر محققان فوق الذکر نوشته های خود را با در نظر داشت جانبداری، دور از قضاوت، پیشداوری های ناپسند به دست نشر می سپارند؛ زیرا علت اساسی اعمال ناشایست آنان، همه از روی عقده، تعصب، بی دانشی و بی خبر بودن از شیوه های پژوهشی در ساحه‌ی علم تاریخ می باشد.

بنابراین، باید پذیرفت که روزگاران وقایع نگاری و نگارش آثار ابتدایی و غیر علمی به سر آمده است؛ زیرا نسل جوان جامعه‌ی امروزی به دنبال تاریخ نگاری مبتنی بر روش های سنجیده و مؤثق علمی، که اهداف دسته، حزب یا سلیقه‌ی خاصی را تأمین نکند؛ اقدام نموده است. (هروی، ۱۳۸۶، ص ۳۰-۳۵).

توسعه قلمرو معرفت: محقق در روند تحقیق خویش باید مطلب تازه‌ی را کشف و به حجم دانش و معرفت بشر بیفزاید؛ زیرا در زنده گی بشر دایره‌ی مجهولات نامحدود است؛ اما دایره معلومات کوچک... از جانب دیگر در گذشت زمان گسترش آگاهی های بشر، به تدریج بزرگ و پیچیده می شود. بدین اساس انسان تا زنده است؛ باید به کاویدن طبیعت و روشن ساختن مجهولات باید کوشا و کنجکاو باشد. (اشراقی، ۱۳۹۶ ص ۳۵).

همچنان آنچه، که در این زمینه حتمی به نظر می رسد، نو آوری و فعالیت های نوآورانه می باشند. بر این اساس پژوهش های تاریخی بر دو گونه‌ی زیرین تلقی می شود:

۱- پژوهش ابتکاری یا کشف آنچه بر دیگران مجهول است.

۲- پژوهش تأییدی یا تفصیل یافتن آنچه بر دیگران به اجمال روشن است.

هنگامی که به یکی از این دو گونه پژوهش می پردازیم، از دریافته های دیگران کمک می گیریم تا به آنچه که آنان در نیافته اند؛ دست یابیم؛ اما پژوهش از تقلید و تکرار و کهنه پرستی اجتناب می ورزد.

به قولی تقلید در اینجا نوعی تملق است و تملق مستلزم تجاهل و اشتباه است و تجاهل، خود دشمن حقیقت پژوهی است. بر این اساس بسیاری از اشکال پژوهشگری، فاقد نوجویی و نوآوری بوده و مبتنی بر تقلید و تکرار است و بدین لحاظ نمی توان بر آنها پژوهش نام نهاد. همچنین به همین سبب است، که روند پژوهشگری دائماً در حال نو شدن و تازه شدن است. (کوشل، ۱۳۹۰، ص ۵).

تاریخ را باید فلاسفه و فلسفه را مؤرخان بنگارند؛ زیرا اگر به فلسفه‌ی تحقیق نظر اندازیم، در می یابیم، که آدمی موجودی ست پرسنده و رازجو؛ زیرا از ویژه گی های اوست، که در هر پدیده ییکه علتش را نمی داند و در هر چیزی که آن سویی را نمی بیند، با چون و چرا، سؤال و جواب برای شناخت آن مبادرت می ورزد. (دوارز، ۱۳۹۶ ص ۴۱).

همچنان شایان یاد آوری است، که آدمی زاد از لحظه یی که به سخن گفتن می آغازد و زبانش کلمه می سازد، تا واپسین دم، می پرسد (که این چون است و آن چرا چنان است؟). بی گمان اگر این کنج کاوی درسرت آدمی نبود؛ مانند مخلوقات دیگر در دایره‌ی محدود قرار می گرفت؛ اما او دایما عاشق شناخت است و هر مجهولی را، چندان از قلاب پرسش (؟) می آویزد تا آن را بازشناسد.

بنابراین، عامل های بنیادی مفهوم و تحقیقات واقعی را می توان تحت نام: علم جویی، معرفت خواهی و یافتن حقیقت در سرشت انسان به چند نکته‌ی زیرین می توان وابسته دانست:

۱- نیاز فطری انسان یا روح حقیقت جویی او: یکی از اساسی ترین انگیزه های بشر برای جست و جو های علمی او کنج

کاوی ذاتی اش می باشد؛ زیرا خالق اش لازم دانسته است، تا به دنبال کشف اسرار هستی مشغول باشد.

۲- میل به «کمال» و خود شکوفایی: این مطلب نیز انگیزه مهم دیگری ست که انسان را به سوی کشف حقیقت می برد.

یعنی بدین معنا: انسان نیازمند شکوفا ساختن استعداد و گسترش دامنه هستی اش می باشد.

۳- پاسخ گویی به نیاز های حیاتی: عامل مهم دیگر مسأله رفع نیاز های جسمی و روانی انسان است؛ زیرا انسان در طول

زنده گی خویش نیاز هایی را احساس می کند، که برای رفع آن ها ناچار است نسبت به خود و جهان هستی آگاهی و علم

حاصل کند؛ در نتیجه بعد از آنکه بر مفهوم و پژوهش های تاریخی پی برد؛ بعداً مسیر بهزیستی و بقای نسل خود را آگاهانه و

عالمان طی خواهند نمود. (اشراقی، ۱۳۹۶ ص ۳۱).

روش تحقیق

مسلماً واضح و آشکار است، که هیچ کاری و یا هیچ مسیری از مسیرهای زنده گانی بشریت؛ مخصوصاً اثبات دنیای بیکران اطلاعات تاریخی بدون روش های علمی-تحقیقی به طور احسن و شایسته دور از امکان خواهد بود. این تحقیق به روش کتابخانه‌ای یعنی مروری به انجام رسیده و جمع آوری داده‌ها با استفاده از آثار دیگران مقالات علمی و کتاب های معتبر داخلی و خارجی صورت گرفته است.

یافته های تحقیق

زمانی که ما در جریان تحقیق از روش های متعدد پژوهشی برای نگارش این نبشته استفاده نمودیم؛ به طور آگاهانه و مستقلانه به نقد و تحلیل مواد آن اقدام و یک سلسله تبیین علمی را با استفاده از مآخذ معتبر مسایل پژوهشی برای اثبات مفاهیم و تحقیقات تاریخی قرار شرح زیر دریافت نمودیم:

اگر اساسی ترین کانون هر گونه پژوهش بر محور پویایی و نوآوری استوار باشد؛ در آن صورت می توان بر مفهوم و مبانی آن پی برد؛ چرا که پویایی و نوآوری در هر پهنه‌ی جهان با پژوهش های علمی استوار می باشد. لذا پژوهش چراغی است، که در فضای علوم و معارف افروخته می شود و به طور دایمی باقی خواهند ماند، زیرا هر چه مواد آن غنی تر و شعله‌ی آن افزونتر گردد؛ درک محیط علمی آن بیشتر و وسیعتر خواهد شد.

اما جانبداری، قضاوت و پیشداوری، نشانگر موجودیت شیوه های پژوهش های غیر علمی در بیشتر تحقیقات موجود عصر ما می باشد؛ زیرا ناتوانی در تجزیه و تحلیل حوادث تاریخی بدون اشاره به مجموعه ای علل، عوامل و پیامد های مختلف از جمله ی نقایص و شیوه های غیر علمی پژوهش از جانب نویسندگان عرصه ی تاریخ نگاری دیده می شود. عدم تکیه بر منابع اصیل، اسناد و شواهد مؤثق نیز از مهمترین نقاط ضعف در پژوهش های برخی از محققان عرصه ی تاریخ نگاری بوده می تواند. بنابراین نکته ی دیگری گاه تا حدی نگران کننده می شود، که بعضی از دانش پژوهان حتی تفاوت میان منابع، مأخذ و مراجع گذاشته نمی توانند. بدین ترتیب واقعه نگاری بعضاً در روزگار ما در شکل کاملاً ملموس و محسوس به دور از مراحل پژوهش و شیوه های آن مبتنی بر اصول علمی باشد؛ بیشتر گردیده است.

پس در اخیر میتوان چنین خلاصه کرد: «تاریخ همچون آینه تمام نمای متبرکی است، که عموم ابعاد مادی و معنوی بشریت را به طور جهانشمول اش، با در نظر داشت قید زمان و مکان با سیر و تحول شان به معرفی گرفته و معنی بخش روند انکشاف آنها گردیده است». زیرا منطبق ما بدون قید و شرط بر چنان استدلالات علمی استوار است، که به وضاحت گفته می توانیم، که هیچ پدیده یی و یا علمی بدون تأریخ و تأریخچه بوده نمی تواند. البته این علم تأریخ است، که این وظایف را به دوش دارد؛ تا همچون مشعلدار سلسله زمانی گردیده و به طور پی در پی هر یکی از آنها را ثبت حافظه ها، دفتر ها، آرشف ها، بایگانی ها، کتاب ها و اخبار عامه می نماید.

نتیجه گیری

مسئلاً پژوهشگر با پشتکار و موفق با استفاده از روش های علمی-تحقیقی برای تشخیص و تدوین اسناد تاریخی پیروزمندانه به میدان کارزار علم و معرفت عرض موقع نموده، در نتیجه در صدد آن می شود، که واقعات و حادثاتی را که ثبت صفحات زرین تاریخ بشریت گردیده اند؛ مؤفانده به دست نشر سپارد.

بنابراین از معیارهای اصلی و مهم یک پژوهشگر علمی تاریخ، قدرت شناسایی، اشراف بر منابع و مدارک تاریخی برای کشف حقایق از طریق مطالعه، تدوین، تحقیق، تدقیق، تحلیل و تبیین مطالعات تاریخی در شکل یک پژوهش نوین نقش اساسی را ایفا می نماید.

با توجه به نکات فوق می توان اذعان داشت که پژوهشگر باید با آخرین تحقیقات حاصله در موضوع مورد بررسی خویش آشنایی داشته باشد. آخرین مقالات و کتاب های منتشره و یا آخرین داده های علمی غیر تاریخی در عرصه های تاریخی، زبان شناسی، باستان شناسی و ... را بداند؛ تا بتواند یک گام نسبت به پژوهش های پیش از خود به پیش نهد؛ یا اینکه پژوهشگری پس از مدت ها مطالعه و تکالیف شب و روزی به نتیجه یی رسیده است، که پیش از او توسط پژوهشگری دیگری مطرح شده که او در امر نگارش آن موفق نبوده است.

پیشنهادها

در این بخش موضوع تحقیقی، می توان مسایل زیرین را احتراماً تذکر داد:

۱- از دید ما نخست عموم محققان عرصه ی تاریخ باید مفهوم و هدف روند های تاریخی را درک و بعداً در کشف آنان اقدام و اهتمام ورزند.

۲- از عموم دانش اندوزان و دانشوران معزز خواهشمندیم، که بدون درک مفهوم تحقیق و شناسایی روش های آن، به هر گونه مطالب اعتبار و اصالت نه بخشند؛ زیرا تاریخ هیچ گونه اشتباهی را نمی پذیرد و این ما هستیم، که در صورت غفلت اشتباهات زیادی را متقبل و متحمل و برای دیگران مطرح می سازیم.

۳- از عموم محققان و مؤرخان دانشور و معظم کشور خواهشمندیم که در جریان تحقیقات خویش به منبع های اصلی تکیه نمایند؛ زیرا امروزه همه شاید آنیم، که اکثر کتب تاریخی فاقد اعتبار و اصالت می باشند؛ زیرا محققان مذکور، اول از منبع های اصیل و دوم روش تحقیق بی خبر اند. بدین اساس آنان اشتباه نابخشودنی را مرتکب شده اند.

مآخذ

۱. استنفورد، مایکل. (۱۳۸۲). درآمدی بر تاریخ پژوهی. ترجمه‌ی احمد گل محمدی، تهران: انتشارات نی.
۲. ادوارز، پل. (۱۳۷۵ ه.ش). فلسفه تاریخ. ترجمه بهزاد سالکی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳. اعتمادی، علام فاروق. (۱۳۸۴). اساسات تاریخ. کابل: پوهنچی ادبیات و علوم بشری.
۴. انصاری، سلطان محمد. مبادی تاریخ. بلخ-مزار شریف: انتشارات دانشگاه راه سعادت.
۵. بابایوف، اکتام و باوری، محمد رسول. (۱۳۶۳) اصول و تحقیقات باستان شناسی. کابل: نشر پوهنتون کابل.
۶. ستوده، غلام رضا. (۱۳۸۳). مرجع شناسی و روش تحقیق در ادبیات فارسی. تهران: سمت.
۷. فرملی، محمد محسن. (۱۳۶۹). مطالب و مفاهیم اساسی در روند تحقیق. کابل: عرفان-وزارت معارف.
۸. کوشه فهیم. (۱۳۹۰). عالیترین روش های تحقیق. جوزجان: انتشارات جهان کمپیوتر.
۹. نودری، حسینعلی. (۱۳۷۹). فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخنگاری. تهران: سعید.
۱۰. نادری، عزت الله. (۱۳۸۵). روش شناخت در تاریخ تهران: پیام عدالت.
۱۱. نادری، عزت الله، سیف نرافی مریم. (۱۳۷۴). روش های تحقیق و چگونگی ارزشیابی آن در واقعات تاریخی. تهران: سعید.
۱۲. والش، دبلیو، اچ. (۱۳۶۳ ه.ش). مقدمه ای بر فلسفه تاریخ. ترجمه ضیاء الدین طباطبایی، تهران: امیر کبیر.
۱۳. هروی، جواد. (۱۳۸۶ ه.ش). روش تحقیق و پژوهش علمی در تاریخ تهران: مؤسسه انتشارات امیر کبیر.